

Investigating the Jurisprudential and Legal Foundations of the Necessity of Criminal Protection of Children's Right to Education

Abolfazl Alishahi Ghalehjugh^{*}, Mahdiyeh Maali^{**}
Behnam Abbasi Awwal^{***}, Abdollah Bahmanpuri^{****}

(Received: 13/10/2021; Accepted: 19/03/2022)

Abstract

The education of children is vital and important in any situation. From childhood, children are exposed to a wide range of learning environments that help them become independent individuals in the future. Therefore, the education of children is very important in any society. The consequences of not educating children are so great for themselves and society that it is necessary to examine the basics of protecting this right. Thus, in order to fully protect the right to education, it is needed to clearly examine its jurisprudential and legal foundations. For this purpose, although the Law on the Protection of Children and Adolescents approved in 1381 addressed this issue in Article 4, it had problems in practice that could not fulfill its duty well. However, a new law entitled "Children and Adolescents Protection Law approved on 2020/12/05" was prepared, which met the expectations to a great extent, and of course, for its maximum efficiency, it must be implemented properly. This research has investigated the jurisprudential and legal sources of the current law with a jurisprudential approach and a descriptive-analytical method and has justified the criminal intervention of the legislator in preventing education.

Keywords: Right to Education, Children's Rights, Preventing Education, Literacy.

^{*} Associate Professor of Theology Department, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author), a.alishahi@cfu.ac.ir.

^{**} Master's Student in Jurisprudence and Criminal Law, Shahid Motahari University, Mashhad, Iran, eng.um.maali@gmail.com.

^{***} Instructor, Department of Islamic Education and Training, Farhangian University, Tehran, Iran, b.abasi@cfu.ac.ir.

^{****} Assistant Professor, Department of Theology, Yasouj University, Yasouj, Iran, bahmanpouri10@gmail.com.

بررسی مبانی فقهی حقوقی لزوم حمایت کیفری از حق تحصیل کودکان

ابوالفضل علیشاهی قلعه‌جویی*، مهدیه معالی**

بهنام عباسی اول***، عبدالله بهمن‌پوری****

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸]

چکیده

آموزش کودکان در هر اوضاع و احوالی حیاتی و مهم است. کودکان از همان دوران کودکی در معرض طیف وسیعی از محیط‌های یادگیری قرار می‌گیرند. این محیط‌های یادگیری در آینده به کودکان کمک می‌کنند تا به افراد مستقل تبدیل شوند. بنابراین، آموزش کودکان در هر جامعه‌ای اهمیت بسیار دارد. تبعاتی که تحصیل نکردن کودکان برای خودشان و جامعه به دنبال دارد به حدی است که بررسی مبانی حمایت از این حق را ضروری می‌کند. بدین‌سان برای آنکه حمایت کاملی از حق تحصیل صورت پذیرد لازم است مبانی فقهی و قانونی‌اش به‌روشنی بررسی شود. بدین‌منظور هرچند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در ماده ۴ خود به این موضوع پرداخته، اما در عمل اشکالاتی داشته که نمی‌توانسته است به‌خوبی وظیفه خود را ایفا کند. با این حال، قانون جدیدی با عنوان «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳» تدوین شد که تا حدود بسیار انتظارات را برآورده کرده و البته برای حداکثر کارایی‌اش باید به‌درستی نیز اجرا شود. این پژوهش با رویکرد فقهی-حقوقی و با روش توصیفی-تحلیلی منابع فقهی و حقوقی قانون موجود را بررسی، و مداخله کیفری قانون‌گذار در ممانعت از تحصیل را توجیه کرده است.

کلیدواژه‌ها: حق تحصیل، حقوق کودکان، ممانعت از تحصیل، سوادآموزی.

* دانشیار گروه الاهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول) A.Alishahi@cfu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، مشهد، ایران eng.um.maali@gmail.com

*** مربی گروه معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران b.abasi@cfu.ac.ir

**** استادیار گروه الاهیات، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران bahmanpouri10@gmail.com

مقدمه

دانش و آگاهی از مسائل ارزشمند در زندگی انسان است. هر انسانی از آغاز زندگی در پی به دست آوردن دانش است و هر قدر قدرت ادراکی اش رشد می کند، برای کشف مجهولات انگیزه بیشتری می یابد و بر دایره آگاهی هایش می افزاید. دانش وسیله ای برای بهتریستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن است، که مطلوب بشر است. اسلام به عنوان آیینی کامل، برای علم و آگاهی ارزش ویژه قائل است (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ۳۹۵/۴؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۸۲۳/۱؛ محمدی ری شهری، ۱۴۳۲: ۲۵/۱؛ کلینی، ۱۳۸۷: ۱۹/۸؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۵؛ الهامی نیا، ۱۳۷۶: ۳۵/۱).

ذکر این ارزشمندی ویژه، اهمیت بررسی مبانی فقهی حق تحصیل به عنوان یکی از حقوق اساسی افراد و به خصوص کودکان را روشن می کند تا مشخص شود که رویکرد دین اسلام به این مسئله حساس چیست. باید توجه داشت همواره مشاهده کودکان و نوجوانانی که به دلایل گوناگون از تحصیل باز می مانند، لزوم حمایت از آنها را به هر ذهن متعارفی متبادر می کند. کودک به عنوان فردی از نظام جامعه باید از امکانات کافی برای تحصیل، که از طبیعی ترین حقوق او است، برخوردار باشد و هر گونه کاستی در این امکانات نوعی ظلم در حق وی محسوب می شود. لذا محرومیت از این حق به طریق اولی مذموم است. همچنین، باید مبانی فقهی حمایت از این حق نیز مشخص شود تا اهمیتش نزد شهروندان روشن گردد. در میان تمام اقشار، کودکان در معرض جنگ و آوارگی و همچنین خشونت اعم از خانگی و غیره، در صف اول محرومان از حق تحصیل اند. با وجود نرخ جذب نسبتاً بالا در دوره ابتدایی، به دلایل متعددی، اعم از ممانعت والدین یا سرپرستان، معلولیت، فقر خانوادگی، نداشتن شناسنامه، کودک کار بودن و ... شمار فراوانی از کودکان در مقاطع بالاتر به مدرسه نمی روند؛ لذا این مسئله باید بررسی شود تا از آسیب های پیش رو جلوگیری گردد. اگرچه تاکنون پژوهشگران و صاحب نظران ذیل «احکام تربیتی کودک» یا موضوعات «اهمیت علم و تحصیل» به این

مسئله پرداخته‌اند، اما مبانی فقهی و حقوقی تحصیل و آموزش به عنوان حقی برای افراد و اهمیت جرم‌انگاری کیفری ممانعت از آن به صورت جامع بررسی نشده و چنین پژوهشی از این منظر مهم جلوه می‌کند.

۱. مبانی فقهی لزوم حمایت از حق تحصیل

۱.۱. آیات و روایات سفارش‌کننده به کسب علم به عنوان وظیفه‌ای فردی

دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، همواره به علم، تعلیم علم و صاحبان علم جایگاه والایی بخشیده است؛ «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد» (مجادله: ۱۱). در تفسیر این آیه، ابوذر می‌گوید پیامبر (ص) فرمود: «ای اباذر! طالب علم را خدا و ملائکه و پیامبران دوست می‌دارند و علم را دوست نمی‌دارد مگر انسان باسعادت، پس خوشا به حال طالب علم، روز قیامت و کسی که از خانه‌اش خارج شود تا دری از علم را به روی خود بگشاید ... سپس حضرت فرمود: همه این فضیلت‌ها، تحت این آیه قرآن است» (مجلسی، بی‌تا: ۱۷۸/۱؛ شعیری، بی‌تا: ۳۷). در آیه‌ای دیگر فرموده است: «بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!» (زمر: ۹). بی‌تردید، جایگاه عالم نزد خداوند فرازمند، مانند دیگر مردم نیست، بلکه هر چه علم و معرفت انسان فراتر رود، جایگاهش نزد خدا بالاتر است. سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر این آیه معتقد است بی‌تردید لازمه آنکه خداوند درجه بنده‌ای از بندگانش را بالا برد، آن است که تقرب او به خدای فرازمند رو به فزونی نهد، و این خود قرینه‌ای عقلی است بر اینکه مقصود از کسانی که به آنها علم ارزانی شده، علمایی از مؤمنان است؛ بنابراین، آیه گهربار دلالت می‌کند بر اینکه کسانی که هم مؤمن و هم دانشمندند، بر کسانی که فقط مؤمن‌اند، ترجیح دارند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۸۸/۱۹). از جمله نکاتی که اهمیت علم‌آموزی را از نگاه قرآن کریم به اثبات می‌رساند، این است که آموزش انسان‌ها از طریق پیامبران را هدف از بعثت آنان معرفی کرده است.^۱

با تدبّر در آیات فوق چنین به دست می‌آید که این آیات علاوه بر بلندی جایگاه علم و علم‌آموزی، گویای آن است که تعلیم بر انبیا و آموختن علم بر امت‌هایشان واجب است. زیرا وقتی علم‌آموزی هدف بعثت باشد، اگر پیامبران از آن کوتاهی کنند، به وظیفه رسالتشان عمل نکرده‌اند و چنین تقصیری درباره انبیا محال است. زیرا آنان معصوم بوده‌اند و ابدأً از انجام‌دادن رسالت الهی‌شان کوتاهی نمی‌کنند. لذا بر پیامبران واجب است آنچه را بشر به آن نیاز دارد و تأمین‌کننده سعادت آنها است، به آنان تعلیم کنند. زیرا انسان‌ها هم واجب است از پیامبران (ع) علم بیاموزند و به مقتضای آن عمل کنند، زیرا اگر آموختن بر آنها واجب نباشد، وجوب تعلیم بر انبیا لغو می‌شود و خداوند حکیم کار لغو نمی‌کند؛ لذا خداوند آموختن علم از انبیا و حجت‌های او را بر انسان‌ها لازم شمرده است (همان: ۳۵۵/۱۴).

علاوه بر آیات قرآن کریم، احادیث فراوانی هم به اهمیت علم پرداخته‌اند، مانند حدیثی که از پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) نقل شده، که فرموده‌اند: «طلب علم بر هر انسانی واجب است» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۳: ۸۳/۱؛ مفید، ۱۳۶۴: ۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۱؛ ابن‌ماجه، ۱۴۱۸: ۸۱/۱؛ ابی‌یعلیٰ موصلی، ۱۴۱۰: ۹۶/۷؛ طبرانی، ۱۴۰۵: ۱۶/۱). متن این روایت نیز به حدی روشن است و صراحت در وجوب دارد که جای هیچ ابهامی را باقی نمی‌گذارد. در تعریف واژه «فرض»، لغت‌شناسان با تفصیل لغات «فرض» و «وجوب»، «فرض» را بالاتر از «وجوب»، و آن را امری الهی و تغییرناپذیر می‌دانند (جوهری، ۱۴۰۴: ۱۰۹۸/۳؛ عسکری، ۱۴۱۲: ۴۰۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۴۳۲/۳). قرارگرفتن کسب علم در کنار سایر فرائضی چون نماز، روزه، زکات، حج و ... نشان از اهمیت بسیار بالای آن دارد. همچنین، در روایات نیز «فرض» در مقابل «مستحب» قرار گرفته و به «واجبات» اطلاق می‌شود (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۲۹/۱). این وجوب تا جایی است که در بعضی از کتاب‌های حدیثی، علما این باب را «فرض العلم و وجوب طلبه» نامیده‌اند (همان؛ کورانی عاملی، بی‌تا: ۳۹۶). درباره واژه «مسلم» نیز باید گفت این کلمه اسم جنس است و جنس انسان، اعم

از مرد و زن، را شامل می‌شود و بیان عبارت با مخاطب مذکر به جهت تغلیب است (موسوی گلپایگانی، بی تا: ۹/۲)، اما با ملاحظه صراحت حدیث در وجوب کسب علم، اعم از عینی و کفایی، اصلی ترین پرسش مطرح، علم مد نظر حدیث است که: آیا شامل تمامی علوم می‌شود یا مراد نوع خاصی از علم است؟ در این خصوص دو فرض متصور است:

۱. با توجه به دلالت «فریضه» بر وجوب شرعی و عام بودن مخاطب حدیث، منظور حدیث، مطلق علم نیست، زیرا امکان ندارد تمام مسلمانان تمامی دانش‌ها را فرا بگیرند؛ لذا قدر متیقن از حدیث همان وجوب عینی کسب علوم دینی و اعتقادات به قدر نیاز است.
۲. واژه «علم» در روایت «اطلبوا العلم» مطلق است و هر علمی را شامل می‌شود، مگر علوم ضالّه و آنچه به عنوان ثانویه ممنوع به شمار رود. از سوی دیگر، آموختن علوم که کسب آن، نیاز جامعه اسلامی است واجب کفایی به شمار می‌رود. بنابراین، اقدام نکردن مسلمانان در کسب این علوم، ممکن است جامعه اسلامی را به منظور رفع نیاز خویش نیازمند کفار کند و این مقدمه‌ای بر سلطه کفار بر جامعه مسلمانان به شمار رود که طبق قاعده تسلیط، حرام است. مطابق این تعبیر، مراد حدیث کسب تمامی علوم و دانش‌هایی است که جامعه اسلامی به آن نیاز دارد. مطهری درباره علم گفته است:

پس هر علمی که به حال اسلام و مسلمین نافع است و برای آنها لازم است، باید آن را از علوم دینی شمرد و اگر کسی خلوص نیت داشته باشد و برای خدمت به اسلام و مسلمین آن علم را تحصیل کند، مشمول اجر و ثواب‌هایی که در تحصیل علم گفته شده هست. اساساً این تقسیم درستی نیست که ما علوم را به دو رشته تقسیم کنیم: علوم دینی و علوم غیردینی، تا این توهم برای بعضی پیش بیاید که علمی که اصطلاحاً «علوم غیردینی» نامیده می‌شوند از اسلام بیگانه‌اند. جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نفعی را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است «علم دینی» بخوانیم (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

موسوی خمینی نیز کسب علم را ضروری می‌داند و آن را به علومی خاص منحصر نمی‌کند. وی می‌گوید تمامی علومی که موجب قدرت جامعه اسلامی شده و دست دشمنان را از آن کوتاه می‌کند، اگر با نیت و توجه الهی باشد مشمول این حدیث است و برای ساختن دنیا و آخرت مطلوب، کسب آنها واجب و ضروری است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۲۳۰/۱۳). این دیدگاه همچنین با ادله دیگری نیز تقویت می‌شود، از جمله آیه ۱۴۱ سوره نساء که می‌فرماید تسلط نیافتن کافران بر مؤمنان زمانی اتفاق می‌افتد که مسلمانان در تمام زمینه‌های لازم، از جمله علم، خودکفا باشند. همچنین، خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید آماده کنید». قطعاً علم و دانش یکی از وسایل قدرت است. همچنین، پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد» (کلینی، ۱۳۸۷: ۲۴۳/۴؛ حر عاملی، ۱۳۷۲: ۳۷۶/۱۷). در حدیثی از حضرت علی (ع) نیز نقل شده است: «حکمت را به دست آور از هر جا که باشد» (عبده، بی‌تا: ۱۸/۴).

از میان دو دیدگاه فوق بسیاری از علما و فقها با توجه به لزوم مناسبت حکم و موضوع، ماهیت علم در روایات، تقسیم علوم در روایات، آثار علم در آیات و روایات، راه‌های تحصیل علم در آیات و روایات، کاربرد «علم» و «عالم» در آیات و روایات و بررسی آرای اندیشمندان در معنای حدیث، دیدگاه نخست را برگزیده‌اند (حسن‌پور، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۹۵)، اما با ملاحظه ادله تقویت‌کننده به نظر می‌رسد دیدگاه دوم به مقصود واقعی شارع نزدیک‌تر باشد.

دلیل دیگر این است که دانش کلید فهم دیگر امور دینی است. در نتیجه می‌توان گفت فراگیری هر دانشی بر هر مسلمانی بایسته است. لذا تحصیل هر دانشی که برای اسلام و مسلمانان سودمند و برای پاس‌داشت و گسترش اسلام و عزت و استقلال جامعه اسلام لازم است، وجوب کفایی پیدا می‌کند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

با توضیحات فوق، نقد وارد شده بر دیدگاه نخست، پاسخ داده می‌شود. لذا قرار نیست تمام مسلمانان تمام علوم و دانش‌ها را فرا بگیرند که بگوییم این کار محال است، بلکه با توجه به اقتضائات جوامع کنونی، تحصیلات ابتدایی همچون خواندن، نوشتن و ... در کنار کسب معارف، اعتقادات و احکام دین به عنوان ضروریات ابتدایی شمرده شده و در مقاطع بالاتر هر کس با نظر به استعداد، توانایی و امکانات و به عنوان واجب کفایی به دنبال کسب علوم تخصصی خواهد رفت تا جایی که جامعه اسلامی از آن علم بی‌نیاز شود.

با توجه به مجموعه ادله فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که یقیناً تحصیل علم نزد شارع مطلوب بوده و در خطاب به مکلفان به عنوان امری مطلوب و گاه در قالب وظیفه از آنان خواسته شده است.

حال در بیان اینکه میان این وظیفه تعلیمی مکلفان و حق تعلم آنان چه رابطه‌ای برقرار است باید گفت در روابط انسانی همواره دو مفهوم «حق» و «تکلیف» به یکدیگر وابسته‌اند. از بررسی متون مذهبی چنین به دست می‌آید که همواره «حق» در مفهوم سستی‌اش، ناشی از «تکلیف» بوده و به عبارت دیگر، حقوق از تکالیف ناشی می‌شده‌اند. هرچند در دوران معاصر این معادله معکوس شده و کفه ترازو به نفع حق سنگین‌تر شده است. به عبارتی، در نگاه جدید با اصل بودن حق و فرع بودن تکلیف مواجهیم که می‌توان دلیل آن را غلبه گفتمان حق‌محوری در جهان دانست (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۶). بدین‌سان تلازم حق و تکلیف به‌روشنی قابل درک است و در پرتو آن می‌توان مناسبات انسانی را به بهترین شکل مدیریت کرد. بنابراین، در اسلام «حق» و «تکلیف» دو امر متقابل‌اند. لذا در برابر تکلیف به علم‌آموزی، حق تحصیل نیز تشریع می‌شود و از این طریق وجود حق تحصیل برای انسان‌ها روشن می‌گردد.

در نتیجه، با توجه به حق بودن تحصیل و فراگیری دانش برای هر مسلمانی، بر اولیای کودکان واجب است کودکانشان را به فراگیری تحصیل بگمارند و چنانچه جلوی

ایجاد این حق را بگیرند و کودکان را از تحصیل منع کنند، به سبب تالی فاسدهایی که این کار برای جامعه به وجود می‌آورد حکومت اسلامی موظف است قوانین کیفری متناسب وضع کند تا والدینی که زیر بار این تکلیف نمی‌روند و حاضر نیستند کودکانشان آموزش ببینند، بازخواست شوند.

اگرچه ممکن است ارتباط وجوب تعلیم و تربیت با جرم‌انگاری ممانعت از آن به‌درستی دریافت نشود ولی می‌توان در توضیح مطلب این‌گونه بیان کرد که در رابطه با کودکان، این والدین آنها هستند که چنین وجوبی به آنها تعلق گرفته، و متعلق حکم وجوب‌اند. زیرا تکلیف به کودک تعلق نمی‌گیرد و در نتیجه شانه خالی کردن از این تکلیف حرام است و بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» که نوعی قاعده فقهی اصطیادی است (حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۵/۴) فقیهان اتفاق نظر دارند که ترک کردن واجب یا انجام دادن کار حرام گناه است و تعزیر در آن واجب می‌شود، چه آن کار حرام از اموری باشد که ذاتاً حرام است و چه به سبب مفسده‌هایی که بر آن مترتب می‌شود و به این جهت حرام شده است (نجفی، بی‌تا: ۴۴۸/۴۱) و چون بر تحصیل نکردن کودک در جامعه امروزی مفسده‌های فراوانی مترتب می‌شود، امکان جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل برای والدین کودک وجود دارد. از سوی دیگر، این اختیار حکومت است که بنا بر مصالح، عملی را جرم اعلام کرده، برای ارتکاب آن مجازات تعیین کند (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۴۸).

۱. ۲. سفارش روایات به علم‌آموزی کودکان به عنوان حق آنان و تکلیف والدین

در متون دینی، همواره به آموزش علم به کودکان و فراهم آوردن زمینه برای آنان به عنوان یکی از حقوق فرزند سفارش و بر آن تأکید شده و در روایات، تعلیم قرآن به کودکان، از حقوق آنان بر پدران و از جمله وظایف مسلم پدران معرفی شده است. پیامبر اکرم (ص) در مقام شمردن حقوق فرزندان بر پدران خویش فرموده‌اند: «از جمله حقوق فرزند بر پدرش ... این است که به او کتاب خدا را بیاموزد و او را به پاکی و پاک‌دستی تربیت کند» (کلینی، ۱۳۸۷: ۴۹/۶). در روایات، علاوه بر آموزش‌های اعتقادی،

اخلاقی، تربیتی و فرایض دینی که به والدین سفارش شده، به نوعی دیگر از آموزش‌ها نیز اشاره شده و آن مطرح کردن و بیان برخی از علوم و فنون است. همچنین، از دیگر آموزش‌ها، آموزش نیازهای جامعه اسلامی است. چراکه برنامه تعلیم و تربیت جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که نیازهای حال و آینده آن را شناسایی و رفع کند و به خودکفایی و استقلال جامعه یاری رساند. از طرفی خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هیچ کدام از پدر و مادر حق ندارند به فرزند ضرر بزنند»^۲ (بقره: ۲۳۳). نهی از اضرار در آیه، عام است و شامل اضرار هر یک از والدین به کودک می‌شود. بنابراین، از آن استفاده می‌شود که جایز نیست پدر و مادر موجب ضرر بر فرزند شوند، اعم از اینکه ضرر از ناحیه ترک حضانت باشد یا ترک نفقه یا غیر این دو. پس رعایت مصلحت کودک بر ولی واجب است و ولی موظف است بنا بر مصلحت، زمینه تحصیل کودک را به نحو مطلوب فراهم آورد. بدیهی است ترک تعلیم و تربیت طفل به معنایی که در این بحث مقصود است، ضرر بر طفل است و از آن نهی شده است. پس، انجام دادن آن واجب است و متولی‌اش پدر و مادرند (انصاری، ۱۳۹۲: ۴۸۱/۱).

علاوه بر آیات و روایات آمره به فراهم کردن زمینه تحصیل کودکان و آموزش به آنها، ادله دیگری بر این امر دلالت دارد، از جمله:

۱. سیره مستمره مسلمانان (متشرعه) این است که بر اولیا، اطفال خود را ملزم به تربیت آنها می‌بینند و می‌کوشند آنها را از انجام دادن آنچه موجب فساد اخلاق است محافظت کنند و این تربیت شامل علم‌آموزی به معنای بحث مد نظر ما هم می‌شود.
۲. عقل حکم می‌کند به اینکه واجب است بر ولی کودک، تعلیم و تربیت به آنچه موجب سعادت وی می‌شود، مانند تعلیم اعتقادات صحیح دینی و نیز واجب است او را از انجام دادن آنچه موجب فساد اخلاق یا ضرر و زیان بر وی خواهد شد، منع کند.
۳. اولویت قطعی، با این توضیح که گفته شود وجوب حضانت اطفال و نفقه آنها اقتضا دارد که تربیت‌شان به طریق اولی واجب باشد، زیرا نفقه اطفال و امور مربوط به

حضانت آنها مرتبط با مسائل جسمانی است و اهمیت کمتری دارد، در حالی که تربیت صحیح آنها موجب می‌شود به فضایل اخلاقی و کردار نیک و پسندیده روی آورند و به زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت دست یابند، چنان‌که کوتاهی در تربیت آنها چه‌بسا موجب بدبختی و هلاکت و شقاوت دائمی‌شان شود، بدیهی است آنچه مربوط به تربیت و جنبه روحی است، بسیار مهم‌تر از امور جسمانی است. پس باید به طریق اولی واجب باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹: ۳/۳۱۵).

در مقام جمع‌بندی باید گفت اگرچه ادله فوق در ظاهر بر بحث تربیت متمرکزند، اما مفهوم «تربیت» در مختصات زمان و مکان، معانی جدیدی به خود می‌گیرد که یکی از این معانی در عصر علم و فناوری، همین علم‌آموزی است. لذا در کنار سایر عوامل تربیتی که وظیفه‌ای بر عهده اولیای کودک است، باید به این موضوع نیز توجه شود.

۱. ۳. آرای فقها مبنی بر اهمیت کسب علم در میان سایر واجبات

آرای که فقهای مجتهد با بررسی و تتبع صادر می‌کنند، به دلیل پشتوانه مبتنی بر فقه و اصول خود اهمیت بسیار دارند. اگرچه برخی دیدگاه‌ها به حد اجماع نمی‌رسند و نمی‌توان به عنوان دلیل از آنها یاد کرد، اما می‌توانند مؤیدات خوبی برای مباحث قرار گیرند. از جمله این آراء، فتاوی‌ای است که در مناسبات و موضوعات مختلف مجتهدان معاصر صادر کرده‌اند و در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم و نحوه استدلال به ایشان خواهد آمد.

۱. ۳. ۱. [سؤال ۱۲۵۹۸] ۷۳۰۳۳۹۰۰. بسمه تعالی ۱۳۶۱/۱۰/۸. در پرسشی از امام

خمینی این‌گونه درباره ممانعت والدین از تحصیل کودکان پرسیده شده است:

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی و امید مستضعفان جهان، سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، با آرزوی طول عمر امام امت خمینی کبیر، معروض می‌دارد که این‌جانب از اینکه وقت شما را می‌گیرم معذرت می‌خواهم. نظر اسلام در مورد اینکه اگر پدر و مادر در این زمان، مانع از تحصیل دخترشان شوند چیست؟

بسمه تعالی، پدر و مادر حق منع از تحصیل فرزند را ندارند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۰/۱۰).

در این استفتا صراحتاً موسوی خمینی بر این مطلب صحه گذاشته است که پدر و مادر حق ندارند فرزندشان را از تحصیل بازدارند. در نتیجه این برای آنها تکلیف است که فرزندشان را به تحصیل بگمارند.

۱. ۲. ۳. فتوای منتشرشده از مکارم شیرازی در پاسخ به استفتائی راجع به حدود حجاب دخترانی که در خارج تحصیل کرده و آنها را مجبور به ترک حجاب می‌کنند:

شک نیست که حجاب بانوان در اسلام، از ضروریات این دین مبین است و حتی غیرمسلمانان نیز می‌دانند که این مسئله از احکام مسلّم اسلام می‌باشد و لذا در بسیاری از موارد، خود را ملزم می‌بینند که با آن کنار بیایند. البته هر حکمی می‌تواند در مقام ضرورت، استثنایی داشته باشد. مثلاً اگر بانویی بیمار شد و پزشک همجنس حضور نداشت، ضرورت اقتضا می‌کند که به پزشک غیرهمجنس مراجعه کند و معاینات او ممکن است بدون ترک حجاب، میسر نشود؛ در چنین موردی از باب ضرورت و به مقدار ضرورت، اجازه کشف حجاب به آن بانوی مسلمان داده می‌شود. همچنین، در مورد تحصیلات لازم که اگر نداشته باشد، با مشکلات مهمی (خودش یا جامعه اسلامی) مواجه می‌شود، به عنوان ضرورت، اجازه ترک حجاب داده می‌شود؛ آن هم به مقدار ضرورت. یعنی در خصوص آنجا که الزام قطعی بر ترک حجاب است؛ یعنی تا محل درس با حجاب می‌رود و در محوطه درس که الزام به ترک حجاب است، ترک می‌کند و در بازگشت بلافاصله حجاب را حفظ می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۳۷).

در استدلال به فتوای فوق باید گفت، چنان‌که روشن است، بحث اهمّ و مهم مطرح شده و میان حجاب، که از ضروریات دین است و نیازی به اثبات ندارد، و تحصیلی که نافع و ضروری باشد، تحصیل اهم دانسته شده و نسبت به حفظ حجاب برتری می‌یابد. تا جایی که می‌توان برای تحصیل تا حد ضرورت ترک حجاب کرد. این موضوع نشانگر

اهمیت فوق‌العاده تحصیل، آن هم در سطوح عالی و در کشورهای خارجی است. بنابراین، می‌توان اهمیت تحصیلات ابتدایی را، آن هم در دنیای امروز با مقتضیات خاص خود، به طریق اولی نتیجه گرفت. زیرا اگر چنین نبود و این مطلب از منابع فقهی و اصولی استنباط نمی‌شد، چنین فقیه و مرجعی چنین فتوایی صادر نمی‌کرد.

۱. ۳. ۳. سید علی خامنه‌ای در پاسخ به این پرسش که آیا نفقه تحصیل فرزندان، مثلاً تحصیل در مقطع ابتدایی و ... جزء نفقه واجب بر عهده پدر است یا خیر، می‌گوید: «اگر فرزند توانایی مالی ندارد، در حدی که عرفاً محتاج به تحصیل است، از قبیل مقطع دوره ابتدایی، هزینه‌های تحصیل به عهده پدر می‌باشد» (موسوی خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۱۸).

در فتوای فوق دو نکته اهمیت دارد: نخست آنکه، وی هزینه‌های تحصیل را در زمره هزینه‌های ضروری کودکی که واجب‌النفقه است قرار داده و این یعنی تحصیل اهمیتی به اندازه نیازهای اساسی انسان، همچون نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و ... دارد؛ دوم آنکه، در متن فتوایش به این نکته تصریح کرده است که تحصیل در مقطع ابتدایی موضوعی است که عرفاً ضروری می‌نماید. از این موضوع می‌توان برداشت کرد که اولاً ادله ضرورت تحصیل علم مشمول قواعد عرفی و مقتضیات زمان و مکان هم می‌شود؛ ثانیاً، چنانچه در زمانی عرف، تحصیل در مقطعی عالی‌تر از ابتدایی را هم ضروری دانست، این ادله به مقاطع بالاتر سرایت می‌کند.

۱. ۳. ۴. محمدتقی بهجت در پاسخ به این پرسش که آیا فراگیری و تحصیل علوم دینی در شرایط کنونی جامعه، واجب کفایی است یا واجب عینی، می‌گوید: «به مقدار مورد مبتلای هر فردی در احکام شرعی و اعتقادات، واجب عینی است و اضافه بر آن کفایی است، که نسبت به افراد مستعد، با نبودن مجتهدین مورد نیاز و کافی در جامعه، واجب عینی می‌باشد» (بهجت، ۱۳۸۶: ۲۳۲/۳). در توضیح این فتوا، تحلیلی که در تفسیر حدیث طلب علم از مطهری آورده شد مفید به نظر می‌رسد. در واقع، می‌توان تحصیل هر علم مفید و نفعی برای جامعه اسلامی را ضروری دانست. لذا اگر با توجه به

جامعیت اسلام و احکامش، هر علم نافع را ضروری بدانیم، پس ضرورت کسب این علوم گاه عینی است که شامل احکام و معارف دین می‌شود و گاه به اندازه نیاز برای افراد حکم وجوب کفایی پیدا می‌کند. البته اغلب با شنیدن وجوب کفایی، وجوب برای تعداد محدودی از مکلفان به ذهن متبادر می‌شود، حال آنکه با توجه به گستره رو به فزونی علم و همچنین گسترش جوامع، تصور اینکه این تعداد محدود قابل افزایش به هزاران و حتی میلیون‌ها نفر باشد دور از ذهن نخواهد بود. مثلاً با شیوع انواع مختلف بیماری‌ها و جمعیت رو به رشد مسلمانان، نیاز جامعه به شمار فراوانی پزشک، اعم از زن و مرد، کاملاً روشن است. در دوران کنونی با وجود وفور دانشمندان و متخصصان علوم مختلف، جوامع اسلامی همچنان در زمینه‌های مختلفی به خودکفایی نرسیده و نیازمند سایر کشورها، از جمله کفار، هستند. بنابراین، آموزش دیدن افراد لازم در رشته‌های مختلف تا رسیدن به مرحله قطع ید کفار واجب کفایی خواهد بود.

۱.۴. قواعد عقلی اصولی

اهمیت بهره‌گیری از قواعد اصولی در طریق استنباط حکم شرعی بر کسی پوشیده نیست. در موضوع این پژوهش بعد از آنکه با بررسی آیات و روایات جنبه الزامی کسب علم روشن شد، نوبت به استفاده از قواعد اصولی فرا می‌رسد. دو قاعده مهم علم اصول، یعنی «مقدمه واجب» و «اجتماع امر و نهی» قواعدی است که در مسئله حاضر چنان‌که خواهد آمد، از آنها بهره می‌گیریم.

۱.۴.۱. مقدمه واجب

مقصود از مقدمه واجب، مقدماتی است که ایجاد واجب به ایجاد آن مقدمات متوقف باشد. همان‌طور که از تعریف گفته شده پیدا است، همواره بحث مقدمه واجب با عناوین «واجب مطلق» و «واجب مشروط» همراه بوده است. «واجب مطلق»، واجبی است که وجوبش بعد از حصول شرایط عامه تکلیف، همچون بلوغ و عقل و علم و قدرت، بر چیز دیگری متوقف نیست و مثال مشهورش نزد اصولیون نماز است که خود واجب

بوده و وجوبش متوقف بر امری مثلاً طهارت نیست. «واجب مشروط» که در مقابل «واجب مطلق» قرار دارد، واجبی است که وجوبش متوقف بر حصول شرطی دیگر است و مثال مشهورش حصول استطاعت برای وجوب حج است. در حقیقت، دیدگاه مشهور در خصوص واجب مشروط آن است که اصل وجوب به آن مقدمات وابسته است، به گونه‌ای که تا زمانی که این مقدمات و شروط تحقق نیابد، وجوب و تکلیفی هم وجود نخواهد داشت (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴: ۷۹/۱). طبق دیدگاه مشهور، تحصیل مقدمه واجب مشروط که به آن «مقدمه وجوب» نیز گفته می‌شود لازم نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۱۷۵/۲-۱۷۷) اما اصل بحث و اختلاف اصولیون در خصوص واجب بودن یا نبودن تحصیل مقدمه واجب مطلق یا به اختصار «مقدمه واجب» است. از میان دیدگاه‌های مختلف قوی‌ترین آنها دو دیدگاه است: برخی مانند آخوند خراسانی، وجوب مقدمه را از نظر اطلاق و اشتراط، وابسته به وجوب ذی‌المقدمه می‌دانند (خراسانی، ۱۴۰۹: ۱۴). برخی نیز مانند حسین بن زین‌الدین عاملی، وجوب مقدمه را به اراده انجام‌دادن ذی‌المقدمه وابسته دانسته‌اند؛ یعنی با اراده انجام‌دادن مقدمه، وجوب ذی‌المقدمه به آن مقدمه ترشح خواهد کرد (عاملی، ۱۳۷۴: ۷۱).

در مسئله حاضر، حتی اگر از میان این دو دیدگاه به قدر متیقن اکتفا شود، باید گفت زمانی که اراده کسب علم برای فرد ایجاد شد، ممانعت از مقدمه آن، که فراهم کردن امکان تحصیل علم باشد بر طبق این قاعده عقلی اصولی قبیح خواهد بود. زیرا بدیهی است که در دوران معاصر کسب تعلم برای معیشت به امری ضروری بدل شده است؛ لذا ممانعت از تحصیل فرزند سبب مخدوش شدن آینده شغلی وی می‌شود و بر این اساس تحصیل در جایگاه مقدمه علمیه قرار دارد.

۱.۴.۲. اجتماع امر و نهی

مراد از اجتماع امر و نهی، انطباق هم‌زمان امر و نهی بر شیء واحد است (مظفر، ۱۳۷۰: ۲۸۹/۱). در مسئله حاضر این انطباق به معنای هم‌زمانی لزوم تحصیل (امر) و ممانعت از

تحصیل (نهی) است. با این توضیح که امر شارع به تحصیل، در مقابل نهی والدین یا سرپرست از تحصیل قرار گرفته است و چون والدین یا سرپرست نیز از سوی شارع ولیّ کودک محسوب می‌شوند، امر و نهی‌شان در طول امر و نهی شارع قرار می‌گیرد. بدین ترتیب گویی در این مسئله امری از سوی شارع با نهی از سوی او در تقابل قرار دارد. در ادامه، با بررسی مسئله اصولی اجتماع امر و نهی، باید روشن شود که آیا این انطباق و هم‌زمانی ممکن است؟ به بیان دیگر، وقتی با ادله ثابت شد که کسب علم برای فرد و فراهم آوردن امکان علم‌آموزی از طرف والدین واجب است و سپس با بهره‌گیری از قاعده اصولی «مقدمه واجب» ثابت شد که مقدمه کسب علم، یعنی تحصیل، هم واجب است، حال آیا می‌توان هم‌زمان امر و نهی را متوجه فعل کسب علم کرد یا خیر؟ البته مقصود از تحصیل لزوماً رفتن به مدرسه نیست و هر امکانی برای تحصیل کودک، اعم از معلم خصوصی، تحصیل در منزل و ... را شامل می‌شود؛ بنابراین، همین که والدین یا سرپرستان امکان مناسبی را برای کودک تحت سرپرستی خود فراهم آورند، از تحت ادله مربوط به اجتماع امر و نهی خارج می‌شوند. از میان اقسام اجتماع، یعنی اجتماع آمری، اجتماع موردی و اجتماع مأموری، اجتماع آمری مربوط به جایی است که آمر و ناهی و منهیّ عنه و مأمور به از همه جهات یکسان باشند، مثلاً شارع امر به خواندن نماز در زمانی مشخص کند و در همان زمان نیز از خواندن نماز نهی کند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷: ۶۶/۱). وقتی در مسئله، به کسب علم که به آن از طرف شارع امر تعلق گرفته، هم‌زمان از طرف ولی یا سرپرست کودک یا شخص ثالثی نهی تعلق گیرد، مصداق اجتماع آمری است و تکلیف به غیرمقدور خواهد بود که محال است؛ طبق این قاعده نمی‌توان مانع تحصیل کودک شد.

حمایت کیفری از حق تحصیل کودکان و ضمانت اجرای آن

از نظر ماهیتی مجازات عبارت است از تنبیه و کیفری که بر مرتکب جرم اعمال می‌شود. «جرم» در لغت معادل گناه، عصیان، تعدی یا عملی ناشایست است (کی‌نیا، ۱۳۸۲: ۸۹). در

معنای عام کلمه، عبارت است از فعل یا ترک فعل انسان که جامعه به دلیل اخلال در نظم اجتماعی با قید ضمانت اجرای کیفری آن را منع کرده است (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۱۹). «جرم» مفهومی نسبی است که در گذر زمان و مکان تغییر می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱). عده‌ای از فقها تعریف «جرم» را توسعه داده و ارتکاب هر عمل ممنوعی را جرم دانسته‌اند، خواه منع آن از ناحیه شارع یا از سوی حاکم اسلامی باشد (دهقان، ۱۳۷۶: ۱۱۶). گارو فالو عملی را که برخلاف احساسات شرافتمندانه و خداپرستانه انجام شود «جرم» می‌نامد (فیض، ۱۳۷۰: ۶۹). قانون مجازات اسلامی در ماده ۱ هر رفتاری را اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، «جرم» می‌نامد. از دیدگاه اسلام، «جرم» یا «گناه» عبارت است از نافرمانی از اوامر و نواهی صادرشده از مقام ربوبی (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۶۹). کین‌برگ، جرم‌شناس سوئدی، «جرم» را شکلی از ناسازگاری اجتماعی می‌داند (همان: ۷۴). توماس، «جرم» را عملی می‌داند که مخالف همبستگی گروه است (همان). دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، هر عملی را که در خور مجازات باشد «جرم» می‌نامد (همان). امانوئل کانت، فیلسوف آلمانی، هر پدیده زیان‌بخش را «جرم» می‌نامد (همان).

جرمانگاری عبارت است از فرآیندی که قانون‌گذار با توجه به مصالح و مفاسد عملی یا ترک عملی نسبت به جامعه آن را ممنوع، و برای آن مجازات تعیین می‌کند (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲). همچنین، فرآیندی که به وسیله آن اعمال یا رفتار خاصی به موجب قوانین کیفری ممنوع می‌شود و همراه با مجازات است (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷). جرم‌انگاری ممنوع کردن اشخاص و ضیق کردن افراد در انجام دادن عملی است که مفسده‌اش بیش از سود آن است.

بنا بر آنچه در آموزه‌های اسلامی، خصوصاً آیات و روایات و دلالت عقل مستفاد است تحصیل علم بر هر فرد واجب است، لذا مقدماتش نیز واجب است که گاه والدین و گاهی حکومت و ... مکلف به تهیه مقدمات تحصیل کودکان هستند. همچنین، این

مقوله از بُعد اجتماعی و پیش‌گیری از جرم بسیار اهمیت دارد و دارای آثار و فواید و برکات اجتماعی فراوانی است و چون برخی قوانین خاص به این موضوع پرداخته‌اند، اعمال درست و دقیق این قوانین حمایتی اطفال نیاز به ضمانت اجرای کیفری و خصوصاً جرم‌انگاری منطقی دارد.

رویکرد قانون مجازات اسلامی به تعلیم و تربیت و آموزش اطفال

سیاست کیفری قانون‌گذار مبتنی بر پیش‌گیری از سقوط متهمان و محکومان جزایی در ارتکاب جرم است. لذا برای اشخاص، حقوقی نیز با توجه به نقش آنها در ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۱۲). تحصیل کودکان تا حد بسیار تأمین‌کننده این غرض اجتماعی است و از ارتکاب جرم پیش‌گیری می‌کند. در همین راستا قانون‌گذار در فصل دهم از بخش اول از کتاب اول قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، ذیل عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، در ماده ۸۸ بیان می‌دارد:

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف. تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هر گاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
۴. جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین
ب. تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی
تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
پ. نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

ت. اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.
ث. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج. دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

آنچه از این ماده و مواد بعدی مستفاد است توجه خاص قانون‌گذار به مقوله تعلیم و تربیت کودکان و اطفال است به نحوی که مصلحت طفل را در تعلیم و تربیت و سپردن به مؤسسه‌های آموزشی می‌داند.

اقدامات تأمینی به عنوان دفاع اجتماعی در برابر ارتکاب جرم محل توجه است که اهداف خاصی را دنبال می‌کند، از جمله: پیش‌گیری از وقوع جرم به کمک وسایل تربیتی، به‌ویژه درباره اطفال و نوجوانان و افزایش میزان آموزش و پرورش ایشان (همان: ۱۲۳).

۲. مبانی قانونی حمایت کیفری از حق تحصیل و تحلیل قانون موجود

به طور کلی، برای حفظ جامعه و حقوق افراد آن، مداخله کیفری در ارزش‌های بنیادین جامعه ضروری به نظر می‌رسد. تأکید بر واژه «کیفری» بدان معنا است که وقتی امری در معرض حمایت و مداخله کیفری قرار می‌گیرد، تجاوز به حدود آن با شدیدترین نوع الزام و اجبار دولتی، یعنی مجازات، همراه خواهد بود و اگر مجازات بتواند توجیه شود، دیگر اقدامات قهری دولت و دستگاه قضا نیز توجیه‌پذیر خواهد بود. شاید مخالفان پیش‌بینی مجازات برای ممانعت از تحصیل کودکان، برای توجیه دیدگاه خود به حق بر مجازات‌نشدن استناد کنند، اما به نظر می‌رسد در جایی که یکی از حقوق اولیه و بنیادین کودک، یعنی حق تحصیل، در معرض حمله قرار می‌گیرد، با توجه به ضعف کودک در برابر اولیا یا سرپرستان، مداخله قانون‌گذار ضروری می‌نماید. حال باید دید جایگاه حمایت از این حق در قوانین بین‌المللی و داخلی چیست؟ حق تحصیل برای تمامی انسان‌ها و بدون هر گونه تبعیضی صراحتاً در پیمان‌های بین‌المللی، از جمله آن دسته از معاهده‌هایی که ایران امضا کرده است، تضمین شده است؛ از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض تحصیلی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آن را تضمین کرده است (برادری، ۱۳۸۸).

در قوانین داخلی ایران، قانون‌گذار برای اولین بار در مواد ۱ تا ۴ «قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳» به این موضوع پرداخت. همچنین، در ماده ۴ «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱» آمده است: «هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». این قانون اگرچه به لحاظ توجه به حقوق کودکان و نوجوانان، اقدام خوبی

برای حمایت از آنان بود، اما به دلایلی از جمله کلی بودن قانون، توجه نکردن به همه مصادیق و ذکر نکردن ضمانت اجرایی مناسب در صورت عدول از قانون، اشکالاتی داشت و نمی توانست به خوبی وظیفه خود را ایفا کند؛ لذا نیاز به تصحیح ضروری می نمود.

خوش بختانه قانون جدیدی در این خصوص تصویب شد که بسیاری از اشکالات مطرح شده را به خوبی پاسخ داد. این قانون، که با عنوان «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳» به تصویب رسید، در ۴ فصل و ۵۱ ماده تنظیم شده و علاوه بر روح کلی حمایتی که بر آن حاکم است، به ابعاد مختلف حقوق اطفال و نوجوانان پرداخته است. ابتدا در بند ۳ ماده ۳ این قانون، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل را مصداق وضعیت مخاطره آمیز و توجیه کننده مداخله قانونی دانسته است. همچنین، در بند ۶ ماده ۶، وزارت آموزش و پرورش را موظف به شناسایی و معرفی کودکان و نوجوانان منع شده یا بازمانده از تحصیل می کند. در ماده ۷ و تبصره آن نیز علاوه بر جرم انگاری ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه و تعیین مجازات برای آن، در صورت تکرار این ممانعت مجازات شدیدتری از نوع تعزیری درجه ۶ را پیش بینی می کند که به نظر می رسد این اقدام بازدارندگی خوبی برای تکرار نشدن ممانعت فراهم می کند. در ماده ۸ این قانون فراهم کردن موجبات ترک تحصیل یا فرار از مدرسه را نیز جرم دانسته و مجازاتی از نوع تعزیری درجه ۶ برای آن پیش بینی کرده است. هرچند تصویب این قانون جای امیدواری بسیار برای احیای حقوق از دست رفته کودکان و نوجوانان دارد، اما باید در مقام اجرا نیز با جدیت و قاطعیت دنبال شود تا راه را برای متخلفان از قانون ببندد.

نتیجه

حق تحصیل و آموزش در زمره حقوق اصیل فرد و ارزش های جامعه است و به عنوان یکی از حقوق بنیادی انسان در عصر حاضر، گاه به دلیل ممانعت اولیا یا سرپرستان

قانونی کودک یا کم‌توجهی آنان، در معرض بی‌توجهی قرار گرفته که توجیه‌کننده مداخله کیفری قانون‌گذار در این زمینه است. از آیات قرآن، احادیث معصومان (ع) و آرای فقها که بر علم‌آموزی سفارش اکید داشته‌اند تا جایی که حتی در خصوص علوم ضروری و ابتدایی حکم به وجوب آن داده‌اند به دست می‌آید که با توجه به اینکه کودکان می‌توانند مخاطب این تکلیف قرار گیرند پس این از تکالیف والدین شمرده می‌شود که زمینه تعلیم و آموزش کودک خود را فراهم کنند که شامل اموری همچون سواد ابتدایی، آموزش‌های لازم برای جامعه و آموزش‌هایی می‌شود که در آینده موجب برتری فرد است. همچنین، ادله دیگری مانند به شمار آمدن آموزش کودک به عنوان مصداقی از حضانت وی، به شمار آمدن هزینه تحصیل از زمره نفقه واجب، قاعده لاضرر، سیره متشرعان، ادله عقلی، مقدمه واجب بودن تحصیل علم و آموزش، مبتلا به بودن مسائل آموزشی برای کودکان در جامعه و ادله‌ای از این دست سبب شده است قانون‌گذار ایران به پیروی از قوانین و اسناد بین‌المللی این مسئله را به حق تحت حمایت قرار دهد و ممانعت از تحصیل کودکان را جرم‌انگاری کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۱۲۹).
۲. «لَا تُضَارُّ وَالِدَةً بَوْلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلَدِهِ».

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دار القرآن الکریم.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). «اندیشه: گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت»، در: *فقه و حقوق*، س ۲، ش ۵، ص ۹-۴۲.
- ابراهیم‌زاده، عبدالله (۱۳۸۷). *دین پژوهی*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحديث والأثر*، تحقیق: طاهر احمد زوی و محمود محمد طنحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵). *من لا یحضره الفقیه*، بیروت: دار الاضواء.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (۱۴۱۸). *سنن*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الجیل، ج ۱.
- ابی یعلی الموصلی، احمد بن علی (۱۴۱۰). *المسند*، تحقیق: حسین سلیم اسد، بی‌جا: دار المأمون للتراث، ج ۷.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). *حقوق جزای عمومی*، تهران: میزان.
- الهامی‌نیا، علی اصغر (۱۳۷۶). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تحقیق: محمد مهدی محمدی، قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- انصاری، قدرت‌الله (۱۳۹۲). *احکام و حقوق کودک در اسلام*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- برادری، خسرو (۱۳۸۸). «حقوق کودک در اسناد بین‌المللی: چگونگی اجرای حقوق کودکان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی»، در: *کانون وکلا*، ش ۲۰۶، ص ۱۶۰-۱۲۱.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶). *استفتائات*، قم: دفتر آیت‌الله محمدتقی بهجت.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتب الاسلامی.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۳). *دعائم الاسلام*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *حق و تکلیف در اسلام*، قم: اسراء، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حائری اصفهانی، محمد حسین (۱۴۰۴). *الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة*، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تهران: اسلامیة.
- حسن پور، ابوالقاسم (۱۳۸۳). «پژوهشی در حدیث طلب العلم»، در: *الاهیات و حقوق*، ش ۱۱، ص ۱۷۱-۱۹۶.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: اسماعیلیان.

- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹). *کفایة الاصول* قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- دهقان، حمید (۱۳۷۶). *تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام*، قم: مؤسسه انتشارات مبین.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷). *الموجز فی اصول الفقه*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ چهاردهم.
- سلیمانی، حسین (۱۳۸۱). «جرائم در حقوق کیفری یهود»، در: *هفت آسمان*، س ۴، ش ۱۶، ص ۱۴۱-۱۷۶.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الأخبار*، نجف: المطبعة الحیدریة.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۴.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵). *المعجم الصغیر*، لبنان: المکتب الاسلامی، دار عمار، ج ۱.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *الامالی*، قم: دار الثقافة.
- عاملی، حسن (۱۳۷۴). *معالم الاصول*، به کوشش: علی محمدی، قم: بی تا.
- عبده، محمد (بی تا). *شرح نهج البلاغة*، بیروت: دار المعرفة.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲). *معجم الفروق اللغویة*، قم: جامعه مدرسین.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۴۲۹). *موسوعة احکام الاطفال و ادلتها*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۳). *الشافی فی العقائد والأخلاق والأحكام*، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران: لوح محفوظ.
- فیض، علی رضا (۱۳۷۰). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). *الکافی*، تحقیق: محمدحسین درایتی، قم: دارالحديث.
- کورانی عاملی، علی (بی تا). *تدوین القرآن*، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۲). *مبانی جرم شناسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶). *محمشای قانون مجازات اسلامی*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه جزایی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۳۲). *العلم والحکمة فی الكتاب والسنة*، قم: دار الحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *ده گفتار*، قم: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). *اصول الفقه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۳۶۴). *الامالی*، مشهد: آستان قدس رضوی.

بررسی مبانی فقهی حقوقی لزوم حمایت کیفری از حق تحصیل کودکان / ۷۹

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). *استفتائات جدید*، به کوشش: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

موسوی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹). *اجوبه الاستفتائات*، تهران: انقلاب اسلامی.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). *استفتائات*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (بی‌تا). *تقریرات حدود و تعزیرات*، بی‌جا: بی‌نا.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷). *دانش‌نامه جرم‌شناسی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی، محمد حسن (بی‌تا). *جواهر الکلام فی مسائل الحلال والحرام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷). *بحوث فی علم الاصول*، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.

References

- The Holy Quran. 1994. Translated by Naser Makarem Shirazi, Qom: Holy Quran House. [in Arabic]
- Aameli, Hasan. 1995. *Maalem al-Osul*, Prepared by Ali Mohammadi, Qom: n.pub. [in Arabic]
- Abdoh, Mohammad. n.d. *Sharh Nahj al-Balaghah*, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Abi Yali al-Mawseli, Amad ibn Ali. 1989. *Al-Mosnad*, Researched by Hosayn Salim Asad, n.p: Al-Mamun Heritage House, vol. 7. [in Arabic]
- Agha Babayi, Hoseyn. 2005. "Andisheh: Gofteman Fegghi wa Jorm Engari dar Hozeh Jaraem alayh Amniyat Mellat wa Dolat (Thought: Jurisprudential Discourse and Criminalization in the Field of Crimes against the Security of the Nation and the State)", in: *Law and Jurisprudence*, yr. 2, no. 5, pp. 9-42. [in Farsi]
- Ansari, Ghodratollah. 2013. *Ahkam wa Hoghugh Kudak dar Islam (Rules and Rights of Children in Islam)*, Qom: Jurisprudential Center of the Infallibles (AS). [in Farsi]
- Ardebili, Mohammad Ali. 2007. *Hoghugh Jazay Omumi (General Criminal Law)*, Tehran: Balance. [in Farsi]
- Askari, Abu Helal. 1991. *Mojam al-Forugh al-Loghawiyah (Dictionary of Linguistic Differences)*, Qom: Teachers Association. [in Arabic]
- Bahjat, Mohammad Taghi. 2007. *Esteftaat (Replies to Inquiries)*, Qom: Office of Ayatollah Behjat. [in Farsi]
- Baradari, Khosro. 2009. "Hoghugh Kudak dar Asnad Beyn al-Melali: Chegunegi Ejray Hoghugh Kudakan Felestini dar Sarzamin-hay Eshghali (Children's Rights in International Documents: How to Implement the Rights of Palestinian Children in the Occupied Territories)", in: *Association of Lawyers*, no. 206, pp. 121-160. [in Farsi]
- Dehghan, Hamid. 1997. *Tathir Zaman wa Makan bar Ghawanin Jazayi Islam (The Effect of Time and Place on Islamic Penal Laws)*, Qom: Madyan Publishing House. [in Farsi]

- Elhaminia, Ali Asghar. 1997. *Talim wa Tarbiat dar Islam (Education and Training in Islam)*, Researched by Mohammad Mahdi Mohammadi, Qom: Islamic Revolutionary Guard Corps. [in Farsi]
- Fazel Lankarani, Mohammad Jawad. 2008. *Mawsuah Ahkam al-Atfal wa Adellatoha (Encyclopedia of Children's Rulings and Their Evidence)*, Qom: Jurisprudential Center of the Infallibles (AS). [in Arabic]
- Feyz Kashani, Mohammad ibn Shah Mortaza. 2004. *Al-Shafi fi al-Aghaed wa al-Akhlagh wa al-Ahkam (The Healer in Beliefs, Ethics and Rulings)*, Researched by Mahdi Ansari Qomi, Tehran: Protected Tablet. [in Arabic]
- Feyz, Ali Reza. 1991. *Moghareneh wa Tatbigh dar Hoghugh Jazay Omumi Islam (Comparison and Adaptation in Islamic General Criminal Law)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Farsi]
- Golduziyan, Iraj. 2017. *Mohashshay Ghanun Mojazat Islami (Annotation of the Islamic Penal Code)*, Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly. [in Farsi]
- Haeri Isfahani, Mohammad Hosayn. 1983. *Al-Fosul al-Gharawiyah fi al-Osul al-Feghhiyah (Al-Gharawi Chapters in Principles of Jurisprudence)*, Qom: Islamic Sciences Revival House. [in Arabic]
- Hasanpur, Abu al-Ghasem. 2004. "Pajuheshi dar Hadith Talab al-Elm (A Research on Hadith Seeking Knowledge)", in: *Theology and Law*, no. 11, pp. 171-196. [in Farsi]
- Hashemi Shahrudi, Sayyed Mahmud. 1996. *Bohuth fi Elm al-Osul (Discussions on the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. [in Arabic]
- Helli, Jafar ibn Hasan. 1987. *Sharae al-Eslam fi Masel al-Halal wa al-Haram (Rulings of Islam on the Lawful and Forbidden Issues)*, Qom: Ismailiyan. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1993. *Wasael al-Shiah ela Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Qom: Islamiyah. [in Arabic]
- Ibn Athir, Mobarak ibn Mohammad. 1988. *Al-Nehayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar (Dictionary of Strange Hadith Terms)*, Researched by Taher Ahmad Zawi, Mahmud Mohammad Tannahi, Qom: Ismailiyan Press Institute. [in Arabic]

- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1984. *Man la Yahzoroh al-Faghih (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Beirut: House of Lights. [in Arabic]
- Ibn Majeh Ghazwini, Mohammad ibn Yazid. 1997. *Sonan (Traditions)*, Researched by Mohammad Foad Abd al-Baghi, Beirut: Al-Jayl House, vol. 1. [in Arabic]
- Ibrahimzadeh, Abdollah. 2008. *Dinpajuhi (Religious Studies)*, Tehran: Islamic Revolutionary Guard Corps. [in Farsi]
- Jawadi Aamoli, Abdollah. 2005. *Hagh wa Taklif dar Islam (Right and Duty in Islam)*, Qom: Esra, First Edition. [in Farsi]
- Jawhari, Ismail ibn Hammad. 1983. *Al-Sehah*, Beirut: Institute of Knowledge for Millions. [in Arabic]
- Keynia, Mahdi. 2003. *Mabani Jormshenasi (Fundamentals of Criminology)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Khorasani, Mohammad Kazem. *Kefayah al-Osul*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 2008. *Al-Kafi*, Researched by Mohammad Hosayn Derayati, Qom: House of Hadith. [in Arabic]
- Kurani Aameli, Ali. n.d. *Tadwin al-Quran (Compilation of the Quran)*, Qom: House of the Noble Quran, First Edition. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. n.d. *Behar al-Anwar al-Jameah le Dorar Akhbar al-Aemah al-Athar (Vast Oceans of Light Containing the Selected Narrations of the Infallible Imams)*, Tehran: Islamic Book House. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 2018. *Esteftaat Jadid (Replies to New Inquiries)*, Prepared by Abu al-Ghasem Aliyannejadi, Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1985. *Al-Amali*, Mashhad: Astan Qods Razawi. [in Arabic]
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa. 2004. *Ghawaed Fegh Jazayi (Rules of Criminal Jurisprudence)*, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. [in Farsi]
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad. *Al-Elm wa al-Hekmah fi al-Ketab wa al-Sonnah (Knowledge and Wisdom in the Quran and Tradition)*, Qom: House of Hadith. [in Arabic]

- Motahhari, Mortaza. 2011. *Dah Goftar (Ten Words)*, Qom: Sadra. [in Farsi]
- Mozaffar, Mohammad Reza. 1996. *Osul al-Feghh (Principle of Jurisprudence)*, Qom: The Seminary's Islamic Propaganda Office. [in Arabic]
- Musawi Golpaygani, Sayyed Mohammad Reza. n.d. *Taghrirat Hodud wa Tazirat (Transcript of Prescribed and Discretionary Punishments)*, n.p: n.pub.
- Musawi Khamenei, Sayyed Ali. 2020. *Ajwabah al-Esteftaat (Replies to Inquiries)*, Tehran: Islamic Revolution. [in Arabic]
- Musawi Khomeini, Ruhollah. 1989. *Sahifeh Nur (Treatise of Light)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Farsi]
- Musawi Khomeini, Ruhollah. 2013. *Esteftaat (Replies to Inquiries)*, Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Arabic]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hosayn; Hashem Beygi, Hamid. 1998. *Daneshnameh Jormshenasi (Encyclopedia of Criminology)*, Tehran: Shahid Beheshti University. [in Farsi]
- Najafi, Mohammad Hasan. n.d. *Jawaher al-Kalam fi Masael al-Halal wa al-Haram (Jewelry Words in the Lawful and Forbidden Issues)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Shairi, Mohammad ibn Mohammad. n.d. *Jame al-Akhbar (Corpus of Narrations)*, Najaf: Haydariyah Press. [in Arabic]
- Sobhani Tabrizi, Jafar. 2008. *Al-Mujaz fi Osul al-Feghh (Summary in the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute, Fourteen Edition. [in Arabic]
- Solaymani, Hosayn. 2002. "Jaraem dar Hoghugh Keyfari Yahud (Crimes in Jewish Criminal Law)", in: *Seven Heavens*, yr. 4, no. 16, pp. 141-176. [in Farsi]
- Tabarani, Solayman ibn Ahmad. 1984. *Al-Mojam al-Saghir (Mini-collection of Narrations)*, Lebanon: The Islamic Bureau, Ammar Institute, vol. 1. [in Arabic]
- Tabatabayi, Sayyed Mohammad Hosayn. 1999. *Tarjomeh Tafsir al-Mizan (Translation of the Commentary of al-Mizan)*, Translated by Sayyed Mohammad Bagher Musawi Hamedani, Qom: Islamic Publication Office, vol. 14. [in Farsi]
- Tamimi Aamedei, Abd al-Wahed ibn Mohammad. 1989. *Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem (Exalted Aphorisms and Pearls of Speech)*, Researched by Sayyed Mahdi Rajayi, Qom: Islamic Book Institute. [in Arabic]

Tamimi Maghrebi, Noman ibn Mohammad. 2004. *Daaem al-Islam (Pillars of Islam)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]

Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1993. *Al-Amali*, Qom: House of Culture. [in Arabic]